

بررسی رعشه اعضاء بدنی در پرتو رابطه نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا و مقایسه اجمالی آن با دیدگاه ملاصدرا

محمود صیدی*

محمد رضا فرهمند کیا**

چکیده

تعلق نفس ناطقه به بدن و رابطه این دو با هم از مهم‌ترین مسائل در حکمت سینوی و متعالیه است که مباحث بسیاری را تحت‌الشعاع خویش قرار می‌دهد. یکی از این موارد، حدوث رعشه در عضو یا اعضاء بدنی می‌باشد. به هنگام رعشه مقتضای حرکت ارادی نفس ناطقه با مقتضای طبیعت عضو بدنی ناسازگار می‌گردد. بدین صورت که مثلاً نفس ناطقه حرکت دست به سوی چپ یا سکون را اراده می‌نماید ولی طبیعت این عضو در تعارض با آن قرار دارد و به‌گونه دیگری حرکت می‌کند. ابن سینا عواملی را در مورد چگونگی حدوث رعشه بیان می‌دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ضعیف گشتن اعضاء بدنی به جهت عوامل نفسانی، سست شدن اعصاب در اعضاء بدنی و اختلال حرکتی اعضاء بدنی به دلیل عوامل مادی خارجی. ملاصدرا نیز عروض رعشه را به دلیل اختلال در کارکرد قوای بدنی و مادی می‌داند. در پژوهش حاضر اثبات گردید که همه این عوامل مورد نظر ابن سینا در

* استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد (m.saidiy@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد (mohammad.gorgin@yahoo.com).

پرتو رابطه نفس ناطقه با بدن قابل تحلیل و بررسی هستند و لذا مهم‌ترین عامل حدوث رعشه، اختلال در این رابطه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ابن‌سینا، ملاصدرا، رعشه، نفس ناطقه، بدن، عضو بدنی.

مقدمه

از دیدگاه ابن‌سینا نفس ناطقه، روحانیه الحدوث می‌باشد که به واسطه اعضاء و قوای بدنی افعال خویش را انجام می‌دهد. نفس ناطقه به هر یک از اعضاء بدنی تعلق دارد و خود مباشرتاً افعال جسمانی را انجام نمی‌دهد. به بیان دیگر نفس ناطقه افعال جسمانی خویش مانند حس و حرکت را با اعضاء و قوای مادی بدن انجام می‌دهد. زیرا که به دلیل مجرد بودن نفس ناطقه، انجام چنین فعالی مباشرتاً امکان ندارد. ملاصدرا نیز در کلیت این مبانی با ابن‌سینا هم نظر می‌باشد با این تفاوت که از دیدگاه او نفس ناطقه جسمانیه الحدوث است.

از دیدگاه شیخ الرئیس، نفس ناطقه دو جهت و لذا دو فعل متفاوت دارد: یکی فعل نفس ناطقه در مقایسه با بدن که ابن‌سینا آن را سیاست یعنی تدبیر بدن می‌نامد مانند شهوت، غضب، ترس، غم و شادی؛ دیگری فعل نفس ناطقه در مقایسه با مبادی و علل خویش که تعقل نام دارد که ادراک ذات نفس ناطقه نیز در این قسم جای می‌گیرد. این دو جهت متفاوت و متضاد از یکدیگر هستند. زیرا که یکی در مقایسه و نسبت به بدن و دیگری بدون آن می‌باشد. از این جهت، اگر نفس ناطقه اشتغال به یکی از این امور داشته باشد، از دیگری غافل می‌گردد و جمع نمودن این دو برای نفس ناطقه آسان نیست (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۳۶۹). بلکه در موارد بسیاری نفس ناطقه با اشتغال به یکی از این افعال، از دیگری غافل می‌گردد.

در حالات عادی و طبیعی [مثلاً سالم بودن بدن و مریض نبودن آن] که رابطه نفس ناطقه با بدن منظم و مرتب می‌باشد، اختلالی در رابطه نفس ناطقه با اعضاء بدنی پیش نمی‌آید. زیرا که بدن افعال خویش را صحیحاً انجام می‌دهد و مشکلی جهت تدبیر و تعلق نفس ناطقه بدان وجود ندارد. به بیان دیگر نفس ناطقه افعال جسمانی خویش را به واسطه اعضاء بدنی انجام می‌دهد و اعضاء بدنی نیز تحت سلطه و حیطة نفس ناطقه قرار دارند. در این هنگام نفس ناطقه با اراده خویش اعضاء بدنی را حرکت می‌دهد یا اینکه آنها را در سکون نگه می‌دارد.

از دیدگاه ابن سینا رعشه به دلیل عاجز گشتن قوه محرکه از حرکت دادن عضلات بدنی به گونه متصل و منظم حاصل می‌شود. زیرا که مانع داخلی در بدن انسان، مانع حرکت اعضاء بدنی می‌گردد و در نتیجه حرکات ارادی نفسانی با حرکات غیر ارادی اعضاء بدنی یا ثابت نگه داشتن ارادی اعضاء بدن با حرکات غیر ارادی اعضاء بدنی؛ دچار تعارض و اختلاط می‌گردند. بنابراین رعشه ناشی از نقص و بیماری در قوه محرکه انسان است (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹).^۱ چنین نقصان حرکتی در اعضاء بدن انسان [یا همان رعشه] یا ناشی از قوای نفسانی و ادراکات آنها، اعصاب و اختلال در اعضاء بدنی می‌باشد که هر یک از این امور منجر به ضعیف شدن رابطه نفس ناطقه با عضو یا اعضاء بدنی می‌گردد. به بیان دیگر در این موارد رابطه تدبیری نفس ناطقه با اعضاء بدنی کاهش می‌یابد و یا ضعیف می‌گردد.

بنابراین اختلال در حرکات اعضاء بدنی، زمانی به وجود می‌آید که به هر دلیلی رابطه منظم نفس ناطقه با اعضاء بدنی مختل و نامنظم گردد. چنین حالتی بیشتر در زمانی اتفاق می‌افتد که اعضاء بدنی ضعیف می‌گردند یا اینکه نفس ناطقه توجه خویش را مصروف به امور دیگری می‌نماید که در ادامه به بررسی آنها از دیدگاه ابن سینا پرداخته می‌شود. مهم‌ترین حالاتی که رعشه عارض اعضاء بدنی می‌گردد، سه مورد فوق الذکر می‌باشد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). با نظر به این عوامل، رعشه ممکن است در تمام اعضاء بدنی به وجود آید یا اینکه برخی از اعضاء بدنی مانند دست، پا یا سر چنین گردند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹).^۲ رعشه از دیدگاه ابن سینا مراتبی از شدت و ضعف دارد که شدیدترین نوع آن قابل مشاهده است و در این صورت عضوی از اعضاء بدنی حرکت غیر ارادی دارد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۳: ۱۱۱-۱۱۲). از سوی دیگر می‌توان گفت که با نظر به عواملی که

۱. همان‌گونه که خمر سبب به وجود آمدن نقص و آفتی در قوای احساسی و ادراکات محسوس می‌گردد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). بنابراین مست بودن در قوای ادراکی انسان منجر به رعشه در اعضاء بدن انسان می‌گردد. زیرا که در این حالت نیز به دلیل حالت نامتعادل بدن، رابطه نفس ناطقه با آن نامنظم و مختل می‌گردد.
۲. از دیدگاه ابن سینا رعشه‌ای که به اعضاء سمت چپ بدن عارض می‌گردد، سخت‌تر و مشکل‌تر از رعشه عارض به اعضاء سمت راست بدن می‌باشد. رعشه انسان‌های پیر نیز قابل درمان نیست (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). زیرا انسان هنگامی که به پیری قدم می‌گذارد نفس ناطقه او فعلیت بیشتری می‌یابد و به موازات آن بدن نیز ضعیف‌تر و ناتوان‌تر می‌گردد. به بیان دیگر از شدت و استحکام تعلق نفس ناطقه به بدن به دلیل ضعیف گشتن آن کاسته می‌شود. لذا درمان رعشه نیز امکان پذیر نمی‌گردد.

ابن‌سینا بیان می‌دارد، نوع رعشه بستگی به چگونگی رابطه نفس ناطقه با بدن و اعضاء آن دارد. در هر حال در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل رعشه از دیدگاه ابن‌سینا در پرتو رابطه نفس ناطقه با بدن پرداخته می‌شود.

۱. ضعیف گشتن اعضاء بدنی به جهت عوامل نفسانی

بیان گردید که از دیدگاه ابن‌سینا نفس ناطقه ارتباط تدبیری وثیقی با بدن دارد و به واسطه بدن و اعضاء بدنی افعال جسمانی خود را انجام می‌دهد. بدین جهت، هر یک از نفس ناطقه و بدن در دیگری مؤثر هستند. با نظر به تأثیرگذاری نفس ناطقه در بدن، برخی از صورت‌های علمی و عوامل نفسانی سبب به وجود آمدن رعشه در اعضاء بدن انسان می‌گردند. شیخ الرئیس اسباب چندی را در ابتلاء به رعشه در این زمینه بر می‌شمارد (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹) که در این قسمت به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱.۱. ترس:

به نظر می‌رسد که ترس و ادراک آن بدیهی باشد. زیرا که هر انسانی در درون ذات خوش پاره‌ای از اوقات احساس ترس از چیزی یا کسی می‌نماید که ممکن است عوامل مختلفی منجر بدان گردند. به بیان دیگر ترس از جمله معانی وهمی است (ابن‌سینا، ۱۳۷۱: ۱۰۹) که عارض روح بخاری می‌گردد و لزوماً تأثیراتی را مانند سایر معانی نفسانی در نفس ناطقه و بدن می‌گذارد (ابن‌سینا، بی‌تا: ۲۲۶) که در مواردی ممکن است این تأثیرات بسیار شدید باشند. بدین جهت، در هنگام ترس شدید همه توجه و همت نفس ناطقه به سوی یک چیزی منصرف می‌شود و لذا از امور دیگری غفلت می‌نماید. مثلاً ترس باعث می‌شود که نفس احساس گرسنگی نکند یا غضب سبب انصراف نفس ناطقه از توجه به ترس می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۳۷۱). در نتیجه در این گونه موارد به دلیل غلبه داشتن ادراکی، نفس ناطقه امور دیگر را ادراک نمی‌کند یا توجه اندکی بدان می‌نماید مثلاً در هنگام ترس از لذت خوردن غذا غافل است (اسفراینی نیشابوری، ۱۳۸۳: ۴۸۹).

بیان گردید که ترس از معانی وهمی است. بدین جهت از تصورات نفسانی انسانی حاصل می‌گردد و تأثیرات خاص خودش را در بدن نیز می‌گذارد. اصولاً ترس داشتن بر برودت و یبوست قلب دلالت می‌نماید (ابن‌سینا، بی‌تا: ۲۱۸). ترس سبب به وجود آمدن برودت شدیدی در بدن و روح

بخاری می‌گردد به گونه‌ای که حتی ممکن است منجر به مرگ و هلاکت گردد (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۲۰). بدین نظر رابطه تدبیری نفس ناطقه با اعضاء بدنی یا برخی از آنها موقتا یا دائما ضعیف می‌گردد و از حالت اعتدال خارج می‌گردد.

حاصل اینکه ترس سبب اشتغال و غفلت نفس ناطقه از سایر امور ادراکی می‌گردد و سبب انقباض شدید و در برخی موارد انبساط بیش از اندازه روح بخاری می‌شود: «طبیبان حرکت‌های ناشی از ترس و خشم را به این نیرو [= روح بخاری] نسبت می‌دهند، زیرا مشاهده می‌کنند که این حالات باعث بروز حرکت انبساط و انقباض عارض بر روح منتسب به این نیروی می‌گردد» (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۵۴۷). از سوی دیگر نفس ناطقه به واسطه روح بخاری به بدن تعلق می‌یابد و افعال بدنی خویش را به واسطه روح بخاری انجام می‌دهد. لذا انبساط یا انقباض آن منجر به تداخل و تعارض حرکت نفسانی با حرکت اعضاء بدنی و لذا رعشه می‌گردد. زیرا که اختلال یا ضعف روح بخاری، منجر به اختلال رابطه نفس ناطقه با بدن یا ضعیف شدن این رابطه می‌گردد.

نتیجه اینکه ترس شدید باعث به وجود آمدن تغییراتی در روح بخاری و لذا اختلال در رابطه نفس ناطقه با بدن می‌گردد. بدین لحاظ از احاطه و تسلط نفس ناطقه بر برخی از اعضاء بدنی کاسته شده و به بیان دیگر رابطه تدبیری و تصرفی نفس ناطقه با آن عضو دچار اختلال می‌گردد. از این رو حرکات مورد اراده نفس ناطقه با حرکت یا سکون عضو خاص بدنی تعارض رخ داده و رعشه اتفاق می‌افتد. به بیان دیگر نفس ناطقه رابطه تدبیری کاملی با بدن نخواهد داشت.

۲.۱. شادی و غم:

شادی و غم کیفیات نفسانی از دیدگاه ابن‌سینا هستند و به دلیل وجدانی بودن این دو، ادراک آنها بدیهی است. زیرا که هر شخصی در درون ذات و نفس خویش چنین حالاتی را ادراک می‌کند. بدین جهت، شادی و غم انفعالاتی هستند که بر روح بخاری در قلب [روح بخاری قلبی] عارض می‌شوند (ابن‌سینا، بی‌تا: ۲۲۶-۲۲۷) و بدین سان مورد ادراک واقع می‌شوند. هنگامی که انسان بسیار شادمان یا غمناک می‌گردد، انفعالات متناسب با این دو یعنی انبساط یا انقباض شدید نیز عارض روح بخاری می‌گردد. به گونه‌ای که در هنگام شادمانی، روح بخاری منبسط می‌گردد و در هنگام غمناک بودن روح بخاری دچار انبساط شدیدی می‌شود. با نظر به اینکه روح بخاری واسطه میان نفس ناطقه با

بدن می‌باشد و نفس ناطقه به واسطه روح بخاری در بدن تصرف کرده و آن را تدبیر می‌نماید؛ اعتدال نداشتن روح بخاری سبب اختلال در رابطه نفس ناطقه با بدن می‌گردد. از این رو در هنگام شادی و غم شدید، نفس ناطقه به نیکی توان تدبیر و تصرف در اعضاء بدنی را نخواهد داشت. بنابراین مقتضای اراده نفس ناطقه در حرکت یا سکون اعضاء بدنی با مقتضای طبیعت اعضاء بدنی تعارض می‌یابد و در نتیجه شخص دچار رعشه در عضو یا اعضاء بدنی خویش می‌گردد.

۱.۳. روی دادن اتفاق بسیار وحشتناک:

برخی از اوقات اتفاقاتی روی می‌دهد که سبب به وجود آمدن حالت وحشت بسیاری در انسان می‌گردد به گونه‌ای که تمام توجه و ادراک نفس ناطقه معطوف به همان شیء و ادراک آن می‌گردد و لذا از تدبیر و تصرف در اعضاء بدنی خویش غفلت می‌نماید یا اینکه حتی در این گونه حالات توانائی لازم جهت تدبیر و تصرف نمودن در آنها را ندارد. از جمله این موارد می‌توان به نگاه کردن از مکانی بلند به سوی پایین، راه رفتن بر روی دیواری بسیار بلند، سخن گفتن با فردی دارای عظمت، حشمت یا ترسناک و مخوف اشاره نمود (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹).

در این گونه موارد روح بخاری حالت انقباض شدیدی می‌یابد و به دلیل توجه نفس ناطقه به شیء ادراکی خاصی، روح بخاری نیز به سوی آن منصرف و منقبض می‌گردد و از ادراکات دیگر غفلت می‌نماید. به ویژه اینکه نفس و ادراکات آن از حالت تعادل و اعتدال داشتن در امور تدبیری و تصرفی بدن خارج شده است. در نتیجه به دلیل عوامل گفته شده، نفس ناطقه از تدبیر و تصرف در عضو یا اعضائی از بدن غافل می‌گردد و رعشه اتفاق می‌افتد. به بیان دیگر حرکات عضو یا اعضائی از بدن در تحت حیطة و تسلط کامل نفس ناطقه نیست.

۱.۴. غضبناک شدن:

غضب نیز از حالات نفسانی و وجدانی ذات و نفس انسان می‌باشد که می‌توان گفت ادراک آن بدیهی است. زیرا که هر کسی در درون ذات خویش می‌یابد که برخی از اوقات حالت خشم و غضب نسبت به کسی یا چیزی دارد. اصولاً انسان غضبناک خواهان غلبه بر دیگری (ابن‌سینا، ۱۴۱۸: ۴۱۷) و پیروزی بر او (ابن‌سینا، ۱۴۱۸: ۴۶۲) می‌باشد. به بیان دیگر چنین شخصی به دلیل ماده‌ای خارجی حالت غضب بر او عارض گشته است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۸۹). در حقیقت غضب از فروع قوه

شهبوی در انسان و لذا تمایل شدید به انجام دادن یا خواستن چیزی می‌باشد (ابن‌سینا، ۱۴۰۰: ۳۱۰). در چنین حالتی قوای محرکه و اعضاء بدنی نیز به حرکت در می‌آید (ابن‌سینا، ۱۹۵۳، ج ۲: ۱۲۱) و لذا نفس ناطقه همه توجه ادراکی و فعلی خویش را معطوف به امر یا امور خاصی می‌نماید و لزوماً روح بخاری نیز منقبض بدانها می‌گردد. در نتیجه توجه از تدبیری و تصرفی نفس ناطقه از برخی از اعضاء بدنی کاسته می‌شود و آنها دچار رعشه می‌گردند.

۱.۵. نزدیکی جنسی بسیار در زمان پر بودن شکم و سیری:

از دیدگاه ابن‌سینا غرض اصلی از لذت جماع، دفع نمودن مواد اضافی منی موجود در بدن انسان مذکر می‌باشد که لذت بسیاری را نیز به همراه دارد. به دلیل دفع شدن مواد زائد بدنی، جماع لازمه صحت و سلامت بدنی است (ابن‌سینا، ۱۴۱۸: ۴۲۸). لذت جماع به دلیل انفعالی است که عارض روح بخاری قلبی می‌شود و اعتدال آن را نیز به همراه دارد (ابن‌سینا، ۱۳۷۱: ۳۵۴). بنابراین لذت جماع صرفاً به دلیل انزال و دفع مایع منی نیست بلکه به دلیل حرکت روح بخاری است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۹۷). جماع نمودن بعد از تناول طعام و سیری شکم منجر به بیماری‌های بسیاری از جمله نفرس، مسدود شدن کبد و رگ‌های آن، درد مفاصل و ... می‌گردد. همه این موارد به دلیل هضم نشدن غذا است (ابن‌رشد، بی‌تا: ۷۶). هنگامی که غذا هضم نگردد، روح بخاری که از خون و کبد به وجود می‌آید و تقویت می‌گردد، دچار نقصان و کاستی می‌شود. بدین جهت رابطه تدبیری و تصرفی نفس ناطقه با اعضاء بدنی به طور کامل برقرار نمی‌شود و لذا منجر به دردهای استخوانی و مفاصل شده و در نهایت رعشه به وجود می‌آید. دلیل اصلی چنین اتفاقی نیز اختلال در کارکرد روح بخاری به دلیل مختل شدن کارکرد خون و کبد می‌باشد. مسلم است که با اختلال روح بخاری رابطه نفس و بدن نیز مختل می‌گردد.

از نظر ملاصدرا نفس ناطقه انسانی حدوث جسمانی دارد و بدن با حرکت جوهری به مرحله تجرد و نطقی واصل می‌گردد. بنابراین رابطه نفس ناطقه با بدن ذاتی می‌باشد. از سوی دیگر نفس ناطقه به واسطه روح بخاری به بدن تعلق دارد. بنابراین در صورت بروز هر مشکلی در رابطه روح بخاری و نفس ناطقه، رعشه اتفاق می‌افتد (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۲۳۳). یعنی اینکه رابطه نفس ناطقه با

عضوی از اعضای بدن طبیعی دچار اشکال می‌گردد و مقتضای طبیعت عضو بدنی با مقتضای تحت تسخیر بودن تحت اراده نفس تعارض پیدا می‌کند لذا ریشه عارض می‌گردد. با نظر به نکات فوق ابن‌سینا در این قسمت جزئیات اسباب و علل ریشه را از دیدگاه طب و فلسفه یا بهتر است گفته شده فلسفه طب مورد بررسی قرار می‌دهد ولی ملاصدرا صرفاً از دیدگاه فلسفی و به طور کلی آنرا بررسی کرده است. به بیان دیگر از نظر ملاصدرا جزئیات این مسئله فلسفی نبوده و طبی است.

۲. سست شدن اعصاب در اعضاء بدنی

بیان گردید که از دیدگاه ابن‌سینا حرکات ارادی اعضاء بدنی به واسطه تدبیر و تصرفی که نفس ناطقه بدانها دارد، انجام می‌گیرد. از سوی دیگر روح بخاری واسطه میان نفس ناطقه با بدن می‌باشد. روح بخاری به سه نوع قلبی، دماغی و کبدی تقسیم می‌شود که چنین تقسیمی با نظر به محل و جایگاه روح بخاری و تعلق داشتن روح بخاری به عضوی از اعضاء اصلی می‌باشد. بدین جهت روح بخاری دماغی که جایگاه آن در مغز می‌باشد، به واسطه رشته‌های عصبی به استخوان‌ها مرتبط می‌گردد. زیرا که استخوان بافتی سخت دارد ولی عصب از بافتی نرم و لطیف ساخته شده است. بدین جهت اعصاب از استخوان‌ها روییده می‌شوند که «عقب و رباط» نامیده می‌شوند. این اعصاب به هم پیچیده هستند و جسم واحدی را تشکیل می‌دهند. منشأ اعصاب، مغز و روح بخاری مستقر در آن می‌باشد که از آنجا به سایر اعضاء و قوای بدنی سرایت می‌یابند^۱ ولی به دلیل اینکه اعصاب رشته‌هایی بسیار نازک هستند، برای محافظت از آنها و حرکت دادن اعضاء بدنی آنها گوشت و ماهیچه محافظت می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۴۳۵-۴۳۶).

با نظر به نکته فوق، روح بخاری منشأ اعصاب در بدن انسان می‌باشد و این اعصاب نقش اصلی در بسیاری از کارکردهای بدن انسانی مانند انتقال ادراکات حسی به حس مشترک دارد (رازی، ۱۳۸۴: ج ۲: ۲۶۰). از این جهت هر یک از اعضاء بدنی متناسب با کارکرد خاص خودش، اعصاب مختص

۱. ابن‌سینا می‌گوید: «...كذلك في الحركة فان الدماغ آله الاولى فيها والعصب آله الثانية و آله الدماغ الاولى و كما أن الدماغ تفتد منه في عصبه واحدة قوی مختلفة في أن بعضها حساسة و بعضها محرکه و الحساسة بعضها ذاتقة مثلاً...» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۹۴).

خویش را دارد (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۴۲). مثلاً اعصابی که در حس چشایی نقش دارند در جرم زبان مفروش شده اند و اعصاب موثر در ادراک حسی در سراسر پوست بدن قرار دارند (ابن سینا، ۲۰۰۷: ۵۹-۶۰). حاصل اینکه اعصاب نقش اساسی در حس و حرکت اعضاء بدنی دارند مثلاً در حرکت دادن دست یا ادراک بویایی و چشایی (ابن رشد، بی تا: ۴۶). از این جهت اگر اعصاب بدن انسانی به هر جهتی دچار سستی گردند، نفس ناطقه نمی تواند به واسطه روح بخاری اعضاء بدن انسان را تدبیر و تصرف نماید. از این جهت، برخی از اعضاء بدنی از حیطه و تصرف حرکتی نفس ناطقه خارج می گردند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). لذا مقتضای اراده نفس ناطقه در حرکت دادن عضوی از اعضاء بدنی با مقتضای طبیعت آن ناسازگار می گردد و رعشه به وجود می آید.

بیان گردید که از دیدگاه ابن سینا رعشه ممکن است در تمام یا برخی از اعضاء بدنی به وجود آید. بدین جهت گاهی از اوقات ممکن است رعشه تنها در سر یا دست یا دو دست به وجود آید. دلیل این امر به جهت اعصابی است که از نخاع در دست می باشد. یا اینکه ممکن است به دلیل برخی از عوامل خارجی روح بخاری موجود در اعضاء یا اینکه روح بخاری و اعصاب هر دو ضعیف گردند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹-۳۳۰).

از دیدگاه ابن سینا، نوشیدن بسیار زیاد آب، نوشیدن زیاد مشروبات الکلی، نوشیدن زیاد آب سرد به ویژه در زمان های نامناسب [مثلاً اول صبح و قبل از تناول صبحانه]، ورزش نکردن و ... منجر به سست شدن اعصاب بدنی، عدم کارکرد صحیح آنها و لذا رعشه می گردد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). در توضیح این عوامل بایستی بیان نمود که اینها سبب نامتعادل شدن حرارت غریزی موجود در بدن انسان می شوند. در حالی که نفس ناطقه به واسطه روح بخاری به تعدیل حرارت غریزی بدن می پردازد که چنین امری نقش حیاتی در سلامتی بدن و معتدل نگه داشتن مزاج آن ایفاء می نماید.

۱. البته از دیدگاه ابن سینا سست شدن اعصاب اگر خیلی زیاد بوده و شدید گردد، به فلج شدن عضو بدنی منجر می شود (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹).

نتیجه اینکه سست شدن اعصاب بدنی به دلیل اینکه منجر به اختلال در کارکرد روح بخاری و لذا رابطه نفس ناطقه با بدن می‌گردد، منجر به رعشه در برخی از اعضاء بدنی می‌شود.^۱

نکاتی که بیان گردید در مورد سست شدن خود اعصاب بدنی بود. با وجود این، ابن‌سینا روی دادن رعشه از جهت موضوع و ماده اعصاب را نیز تحلیل می‌نماید. بدین بیان که اگر موضوع و ماده‌ای که اعصاب بدنی در آن جریان دارد، به روند معمولی و طبیعی از اعصاب متأثر باشد، نفس ناطقه به نیکی محرک اعضاء بدنی خواهد بود. ولی اگر ماده یا موضوع قابلیت انفعال و تأثیر پذیری اندکی از اعصاب داشته باشد یا اینکه به طور کلی مانع جریان اعصاب یا اینکه اعضاء بدنی دچار خشکی و رخوت شده باشد، اعصاب توانائی به حرکت درآوردن صحیح اعضاء بدنی و لذا مطاوعت نمودن از نفس ناطقه به واسطه روح بخاری نخواهد داشت (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). در واقع در این موارد اعصاب و روح بخاری نقش خویش را به درستی انجام می‌دهند و لذا رابطه تدبیری و تصرف نفس ناطقه نیز کامل است ولی اعضاء بدنی به دلیل نقصان و کاستی در انفعال، از اراده نفس ناطقه پیروری نمی‌کنند. در نتیجه حرکت اعضاء با حرکت مورد اراده نفس ناطقه دچار تعارض می‌گردد و رعشه اتفاق می‌افتد.

از دیدگاه ابن‌سینا اعضاء بدنی از جهت اعصاب و مبدأیت آن به دو قسم تقسیم می‌گردند: گاهی منشأ حس و حرکت در اعضای حسی و حرکتی بدن، تنها یک عصب می‌باشد و گاهی نیز منشأ حس و حرکت اعضاء بدنی اعصاب جداگانه‌ای هستند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۳۷۷). بنابراین به جهت تفاوت وجود عصب یا اعصاب در اعضاء بدنی و مطالب گفته شده، شدت و ضعف رعشه در اعضاء بدنی مشخص می‌گردد. زیرا که به میزان آسیب دیدن اعضاء بدنی، تعلق نفس ناطقه نیز به آن اعضاء بدنی کاسته می‌شود.

خلاصه مطالبی که ابن‌سینا در این قسمت بیان می‌دارد این است که در رعشه رابطه نفس ناطقه و بدن به دلیل اختلال در روح بخاری مختل شده است که شیخ الرئیس جزئیات آن را با نظر به مبانی طبی تشریح می‌نماید. در مقابل ملاصدرا معتقد به واسطه بودن روح بخاری میان نفس

۱. به دلیل اینکه دماغ منشأ اعصاب در اعضاء بدنی است، اختلالات ذهنی و ادراکات آن منجر به گرم شدن مزاج اعصاب بدنی و لذا رعشه می‌گردد (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۴: ۵۸). بنابراین در چنین صورتی نیز اختلال در اعصاب منجر به خروج از اعتدال مزاج و لذا نامنظمی رابطه نفس ناطقه با بدن می‌شود.

ناطقه و بدن می‌باشد که تصرف بدون واسطه نفس ناطقه در آن می‌باشد. رعشه در روح بخاری نیز روی نمی‌دهد بلکه هنگامی که رابطه نفس ناطقه با روح بخاری مختل می‌گردد، در عضوی از اعضاء بدنی رعشه عارض می‌گردد. به بیان دیگر رابطه نفس ناطقه با بدن به طور وثیق و کامل برقرار نمی‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۸۸). مسلم است که جزئیات و تفصیل اختلال در روح بخاری بایستی در طب مورد بررسی قرار گیرد ولی از دیدگاه ابن سینا چنین بحثی در واقع فلسفه طب و جزء موضوعات مشترک می‌باشد که از جهات گوناگون در علوم مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. اختلال حرکتی اعضاء بدنی به دلیل عوامل مادی خارجی

از دیدگاه ابن سینا، در برخی از اوقات به دلیل علل و عوامل خارجی برخی از اعضاء بدن انسان دچار آسیب می‌گردند و لذا دچار رعشه می‌شوند. شایان توجه است که موارد مذکور در این قسمت ممکن است هم زمان با موارد پیشین باشد و هر دو با هم رخ دهند یا اینکه این موارد سبب به وجود آمدن هر یک از موارد گفته شده در قسمت های قبلی گردد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹). در این قسمت به بررسی و تحلیل عوامل خارجی به وجود آمدن رعشه از دیدگاه ابن سینا در پرتو رابطه نفس ناطقه با بدن پرداخته می‌شود:

۳.۱. سرمای زیاد:

از نظر طب و حکمت سینوی دو نوع حرارت در بدن انسان وجود دارد: غریزی؛ که روح بخاری حیوانی به آن تعلق می‌یابد و غریبی که روح بخاری طبیعی به آن تعلق دارد. حرارت غریبی بدن انسان در تغذیه کردن، رشد نمودن و تکون اعضاء بدنی نقش اصلی دارد و افعال خویش را با مساعدت حرارت غریزی انجام می‌دهد (ابن سینا، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۲۴). در قسمت‌های پیشین اشاره شد که حرارت غریزی از مزاج و روح بخاری در بدن انسان به وجود می‌آید و نقش اساسی در سلامت و اعتدال بدن انسانی به ویژه دماغ دارد (ابن سینا، ۱۳۳۲: ۱۰). خاموش شدن حرارت غریزی در بدن انسان منجر به مرگ او می‌گردد که به اقتضای مزاج اولیه هر شخصی متفاوت از دیگری است (ابن سینا، ۱۳۸۶: ۳۲۶). حال اگر سرمای شدیدی به عضو یا اعضائی از بدن انسان اصابت نماید، حرارت درونی و غریزی آن عضو به سردی می‌گراید و در نتیجه نفس ناطقه به واسطه روح بخاری

توانائی لازم جهت تدبیر و تصرف در آن را نخواهد داشت. بدین لحاظ حرکت ارادی نفس ناطقه یا سکون آن با مقتضای طبیعت آن جسم متعارض می‌گردد و رعشه اتفاق می‌افتد.

۲.۳. گزیده شدن:

گزیده شدن انسان به واسطه حیواناتی مانند مار و ... منجر به تب، عرق سرد، فساد پوست به سوی رنگ سبزی، سرگیجه، حالت تهوع، سکسکه و ... می‌گردد (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۴: ۳۳۰). بدین نظر عضوی از انسان که مورد گزیدگی قرار می‌گیرد، سریعاً مزاج آن تغییر می‌یابد. به دلیل اینکه مزاج نقش اساسی در اعتدال و به وجود آمدن روح بخاری در بدن انسان ایفاء می‌نماید، تغییر مزاج منجر از بین رفتن روح بخاری موجود در آن عضو و کاسته شدن از رابطه تدبیری و تصرفی نفس ناطقه بدان دارد. مضافاً اینکه با گزیده شدن سموم وارد خون شخص می‌شود و آنرا آلوده می‌نماید. از سوی دیگر روح بخاری قلبی به واسطه قلب و از خون به وجود می‌آید و حفظ می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۵۰). به همین جهت قلب فاعل حرارت غریزی در بدن انسان نیز می‌باشد. در نتیجه به همین دلیل حیظه و تسلط نفس ناطقه به عضو یا اعضائی از بدن کاسته می‌شود و رعشه به وجود می‌آید.

۳.۳. گرمای شدید (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲: ۳۲۹):

در طب و حکمت سینوی، از ترکیب اخلاط، مزاج به وجود می‌آید و مزاج نزدیک به اعتدال بهترین و کامل‌ترین مزاج می‌باشد. هم‌چنین بیان گردید که روح بخاری حرارت غریزی و طبیعی بدن انسان را حفظ می‌نماید و بدین جهت نقش اساسی و اصلی در سلامت بدن انسان و بقاء بر صحت آن دارد. حال اگر فرض نمائیم که گرمای شدید یا حرارتی به عضوی از اعضاء بدنی اصابت نماید، چنین امری سبب خارج شدن از اعتدال آن عضو می‌گردد و لذا نفس ناطقه نمی‌تواند تدبیر و تصرف خود را بر آن عضو به طور کامل حفظ نماید و لذا رعشه به وجود می‌آید.

این حالت به ویژه در زمانی پیش می‌آید که به دلیل شدت گرما، عضو بدنی دچار سوختگی گردد. در این هنگام به دلیل سوزش اعصاب، پوست و ... گردش خون به درستی در آن عضو جریان نمی‌یابد و در نتیجه روح بخاری موجود در عضو مذکور به شدت آسیب می‌بیند. از این رو رابطه تدبیری و تصرفی نفس ناطقه با آن عضو به طور کامل برقرار نمی‌گردد و دچار رعشه می‌گردد.

به طور کلی می‌توان گفت که هرگاه عضوی از اعضاء بدنی، آسیب شدیدی ببیند (یا به تعبیر ابن سینا آفتی در آن به وجود آید)؛ سبب به وجود آمدن رعشه می‌گردد. زیرا که در این هنگام عضو مذکور قابلیت تام و کامل خویش را در تدبیر شدن و تصرف گشتن به واسطه نفس ناطقه از دست می‌دهد. در این گونه موارد، فاعلیت فاعل [یعنی علّیت فاعلی نفس ناطقه] دچار اشکال یا اختلالی نیست بلکه قابلیت قوای مادی و اعضاء بدنی دچار کاستی، اختلال و نقصان شده است. از این رو نفس ناطقه در تدبیر و تصرف کامل در آن عضو باز مانده و رعشه حادث می‌شود. بیان گردید که از دیدگاه ملاصدرا تعلق ذاتی نفس ناطقه به روح بخاری می‌باشد. به بیان دیگر تعلق نفس ناطقه به روح بخاری ذاتی می‌باشد و تعلق نفس ناطقه به بدن قسری یا به تعبیری بالواسطه می‌باشد. بدین نظر علل و عوامل مختلفی ممکن است منجر به رعشه گردد که از نظر ملاصدرا با تعلق با واسطه نفس ناطقه به بدن تحلیل می‌گردد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۳: ۹۸).

نتیجه گیری

حدوث رعشه از یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با رابطه نفس ناطقه با بدن می‌باشد که در راستای ارتباط وثیق مسائل فلسفی و طبی در نظام حکمت سینوی قابل بررسی است. بدین بیان که هر یک از عوامل نفسانی و بدنی ممکن است دچار اختلال رعشه گردند. در مجموع ابن سینا سه عامل کلی در این زمینه بیان می‌دارد: ضعیف گشتن اعضاء بدنی به جهت عوامل نفسانی، سست شدن اعصاب در اعضاء بدنی و اختلال حرکتی اعضاء بدنی به دلیل عوامل مادی خارجی. برخی از عوامل نفسانی‌اند که صورت‌های علمی و نفسانی منجر به اشتغال نفس ناطقه و لذا اختلال حرکتی رعشه می‌گردند. سست شدن اعصاب و اختلال اعضاء بدنی نیز از جمله عوامل بدنی هستند که رابطه نفس ناطقه با بدن را دچار اختلال می‌نمایند و لذا رعشه به وجود می‌آید.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۶)، *قانون در طب*، ترجمه علیرضا مسعودی، اصفهان، انتشارات مرسل.
- (۲۰۰۵ م)، *القانون فی الطب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۱۳۷۱)، *المباحثات*، تصحیح محسن بیدار فر، قم: ایران.
- (۱۳۷۹)، *النجاة*، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (بی تا)، *رسالة فی الأدوية القلبية*، بی جا.
- (۱۳۶۳)، *المبدأ و المعاد*، تصحیح، عبد الله نورانی، تهران: موسسه مطالعات اسلامی.
- (۱۴۰۴ ق)، *التعلیقات*، تحقیق عبد الرحمن بدوی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- (۱۴۱۸ ق)، *الإلهیات من کتاب الشفاء*، تصحیح حسن زاده آملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- (۱۹۵۳ م)، *رسائل*، تصحیح حلمی ضیاء اولکن، استانبول: دانشکده ادبیات.
- (۱۴۰۰)، *رسائل*، تصحیح محسن بیدار فر، قم: بیدار.
- (۱۳۷۱)، *المباحثات*، تحقیق محسن بیدار فر، قم: بیدار.
- (۱۴۰۴ ق)، *طبیعیات شفاء*، تحقیق سعید زائد، قم: مرعشی نجفی.
- (۲۰۰۷ م)، *رسالة فی النفس و بقائها و معادها*، تحقیق از فواد الاهوانی پاریس: دار بیبلیون.
- (۱۳۳۲)، *قراضه طبیعیات*، تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی، تهران: انجمن آثار ملی.
- (۱۳۸۳)، *رگ شناسی*، تصحیح سید محمد مشکوه، همدان: دانشگاه بو علی سینا.
- ابن رشد (بی تا)، *شرح ابن رشد لأرجوزة ابن سینا*، قطر: جامعه قطر.
- اسفراینی نیشابوری، فخر الدین (۱۳۸۳)، *شرح النجاة*، تحقیق حامد ناجی اصفهانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۴)، *شرح الإشارات و التنبیها*، تصحیح از دکتر نجف زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- طوسی، نصیر الدین (۱۳۷۵)، *الإشارات و التنبیها*، قم: دفتر نشر کتاب.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، امینی و امید، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۱۳۶۱)، *العرشیه*، تصحیح غلامحسین آهنی، تهران: انتشارات مولی.
- (۱۳۶۰)، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.